

## فعل گفتاری نزد منطق دانان مسلمان

احمد عبادی\*

### چکیده

برخی از فیلسوفان زبان معتقدند که گاه عبارات زبانی با آن که از ساختار خبری برخوردارند، اما قابل صدق و کذب نیستند؛ زیرا قصد گوینده از بیان آن‌ها نه توصیف، بلکه انجام یک فعل است. چنین جملاتی را افعال گفتاری می‌خوانند. پیش از این، منطق دانان مسلمان نیز به این مسأله توجه نموده‌اند. آنان این بحث را با عنوان «انشاء اخبارنما» مورد تأمل قرار داده‌اند. انشاء اخبارنما در مواضع مختلفی مطرح شده است. نقد ملاک صدق و کذب‌پذیری خبر و نیز حل پارادوکس دروغگو، زمینه طرح این مسأله را فراهم آورده است. اگرچه مسأله افعال گفتاری تطوّر و تحوّل شایانی در منطق دوره اسلامی نیافت، اما کشف این مسأله و نقطن به آن را باید از آن منطق دانان مسلمان دانست. تأمل در تاریخچه دیدگاه‌های منطق دانان دوره اسلامی در این مسأله و نیز مطالعه تطبیقی آن‌ها با آراء فیلسوفان زبان آموزنده نکات منطقی - معرفتی است.

**کلیدواژه‌ها:** فعل گفتاری، جمله خبری، پارادوکس دروغگو، انشاء اخبارنما، خونجی، آستین.

### ۱. مقدمه

مطالعه تطبیقی (comparative study) در حوزه پژوهش‌های فلسفی و منطقی، ضرورتی روشن و غیرقابل انکاری است. دست‌یابی به شناختی چندوجهی و نیز توصیف (description) و تبیین (explanation) مواضع خلاف و وفاق دیدگاه‌ها، نظریه‌ها و پارادایم‌های گوناگون فکری از ره‌آوردهای اخذ روی‌آورد تطبیقی (comparative study)

\* استادیار فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده معارف اهل البیت، دانشگاه اصفهان ebadiabc@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۲۷

محقق را از حصرگرایی فراتر برده، امکان وقوف بر ابعاد ناپیدای موضوع مورد تحقیق را فراهم می‌سازد و چشم را بر خلل‌ها و مسائل، بیناتر می‌کند. با اخذ چنین رهیافتی، می‌توان به ابزاری دست یافت که از طریق آن، به شباهت‌ها و تفاوت‌های دو پدیدار یا دو نظریه نایل آمده و در نتیجه، به حل و شناخت عمیق‌تر مسأله معین پرداخت.<sup>۱</sup>

منطق دوره اسلامی سرشار است از مسائل بدیع و نوآوری‌های جدی علمی که واکاوی و تأمل در هر یک از این مسائل، نقش بسیار سازنده‌ای در بسط و گسترش ره‌آوردهای فرهنگ دوره اسلامی است. پژوهش حاضر به دنبال مطالعه تطبیقی مسأله فعل گفتاری نزد منطق‌دانان مسلمان از یک سو و زبان‌شناسان و فیلسوفان زبان از سوی دیگر است.

آنچه امروزه نزد فیلسوفان زبان، فعل گفتاری خوانده می‌شود، اگرچه به نحو اجمالی و مقدماتی، مورد توجه منطق‌دانان مسلمان نیز بوده است. روی آوردن نوشتار حاضر در جستجوی از فعل گفتاری در آثار منطق دوره اسلامی، روی آورد تاریخی (historical approach) است. مراد از مطالعه تاریخی، شناخت گذشته در پرتو آینده است.<sup>۲</sup> در ادامه گفتار، ابتدا توضیح مختصری از چیستی و پیشینه مسأله فعل گفتاری ارائه می‌دهیم. سپس به بررسی تاریخی سابقه فعل گفتاری نزد منطق‌دانان مسلمان می‌پردازیم. ذیل این عنوان ابتدا بستر معرفتی طرح این مسأله در منطق دوره اسلامی بیان می‌شود و بعد از آن گزارش تاریخی از دیدگاه‌ها به ترتیب تاریخی ارائه می‌گردد. سپس تطوّر تاریخی این مسأله مورد تبیین قرار می‌گیرد و در پایان در مقام مطالعه تطبیقی، به چند نکته اشاره می‌شود.

## ۲. افعال گفتاری

یکی از مسائلی که نزد فیلسوفان زبان محل تأمل و مطالعه واقع شده، چگونگی ارتباط و نسبت زبان با واقعیت است. در این باره، تصوّر غالب این بوده که نقش زبان (الفاظ و جملات) توصیف واقعیت - اعم از صادق یا کاذب - است. بر همین مبنا، پوزیتیویست‌های منطقی، گزاره‌ها را به دو قسم توصیفی (descriptive) و ارزشی (evaluative) تقسیم نمودند. گزاره‌های توصیفی، عباراتی هستند که یا صادق‌اند و یا کاذب و گزاره‌های ارزشی عباراتی هستند که احتمال صدق و کذب در آن‌ها راه ندارد، بلکه صرفاً احساسات و عواطف را بیان می‌کنند. جملات ارزشی با آن که به صورت گزاره‌های توصیفی‌اند و به ظاهر معنادارند، اما در واقع، صرفاً اظهار احساسات و عواطف‌اند و به لحاظ شناختاری

اساساً معنادار نیستند. به این ترتیب، گزاره‌های اخلاقی، الهیاتی، زیبایی‌شناختی و... چون قابلیت صدق و کذب ندارند، از حیطة فلسفه - که همانا کشف حقیقت است - خارج می‌شوند.

"جان لنگشاو آستین" (John Langshaw Austin) (۱۹۱۱ - ۱۹۶۰م) با انکار تلقی رایج از کارکرد زبان نشان داد که نقش زبان صرفاً توصیف واقعیت نیست، بلکه گاه عبارات زبانی (linguistic sentences) با آن که از صورت (form) خبری برخوردارند، اما با این حال نه صادق‌اند و نه کاذب؛ زیرا قصد گوینده از بیان آن‌ها نه توصیف (description) واقعیت، بلکه انجام یک فعل است که این فعل از طریق جملات زبانی انجام می‌پذیرد. برخی (Rosenberg, 1971: 557) گفته‌اند مقاله "درباره اشاره" (On Referring) نوشته "پ.ف. استراوسون" (P. F. Strawson) (۱۹۱۹-۲۰۰۶م) در سال ۱۹۵۰ نخستین اثری است که این دیدگاه در آن بیان شده است. استراوسون در این مقاله بر این نکته تأکید نموده که برای فهم گزاره، صرفاً بررسی ساختار نحوی و دستورزبانی کافی نیست، بلکه لازم است جملات از این جهت که فعل و رفتار گوینده هستند نیز مورد مطالعه و تبیین قرار گیرند (نک: استراوسون، ۱۳۸۶: ۲۸۹-۳۱۹).

آستین به جای طبقه‌بندی رایج گزاره‌ها به توصیفی و ارزشی، جملات را به اخباری (constative) و انشایی (performative) تقسیم نمود (Austin, 1962: 3-5). جملات اخباری، متضمن توصیف واقع‌اند و لذا متصف به صدق و کذب می‌شوند، اما جملات انشایی توصیف واقع و اخبار از چیزی نیستند، بلکه نوعی فعل و رفتار هستند. به عنوان مثال، اگر کسی بگوید: «قول می‌دهم که به خانه تو بیایم»، قصد او از این جمله، توصیف وعده یا حکایت از وعده نیست، بلکه او با این جمله وعده می‌دهد و فعل وعده را تحقق می‌بخشد. در عبارات انشایی از فعل نحوی (verb) خاصی برای انجام فعل (act) و رفتاری معین بهره گرفته می‌شود. لذا عبارت انشایی از سنخ فعل (doing) هستند، اما عبارات اخباری از نوع توصیف. مثلاً برای انجام فعل «تعهد» باید گفت: «من وعده می‌دهم...» یا برای انجام فعل تبریک‌گویی باید گفت: «تبریک می‌گوییم». عبارات اخباری صدق و کذب‌پذیرند، لذا معیار سنجش آن‌ها صادق یا کاذب‌بودن است، اما عبارات انشایی صدق و کذب‌پذیر نیستند. بنابراین معیار ارزیابی آن‌ها نه صادق و کاذب‌بودن، بلکه شایسته یا ناشایسته‌بودن است. اگر جمله انشایی مطابق شرایط و ضوابط لازم برای انجام یک فعل بود، آن جمله شایسته است و در غیر این صورت ناشایسته است. هم چنین در جملات

انشایی می‌توان از قید «بدین وسیله» بهره گرفت: «بدین وسیله قول می‌دهم که...»، اما در گزاره‌های اخباری چنین قیدی به کار نمی‌رود (Austin, 1962: 3-7).

### ۳. فعل گفتاری نزد منطق‌دانان مسلمان

منطق‌دانان دوره اسلامی به مسأله فعل گفتاری توجه نشان داده‌اند. آنان این بحث را با عنوان «انشاء اخبارتُما» مورد تأمل قرار داده‌اند. مسأله انشاء اخبارتُما در مواضع مختلفی از سوی منطق‌دانان مسلمان مطرح شده است. بسیاری از منطق‌دانان توجه چندانی به انشاء اخبارتُما نداشته‌اند؛ از این رو، این مسأله تطوّر و تحوّل شایانی نیافت. اما با این حال، کشف این مسأله و تطفّن به آن را باید از آن منطق‌دانان دوره اسلامی دانست. در ادامه نوشتار ابتدا بستر معرفتی طرح مسأله اخبار انشاءتُما در منطق دوره اسلامی را بیان نموده و سپس گزارشی تاریخی از آراء مختلف در این باب را ارائه می‌دهیم. پس از آن به تبیین تاریخی مسأله و ارتباط آن با فعل گفتاری می‌پردازیم.

#### ۱.۳ بستر معرفتی

تعریف مرکب تام خبری از مسائل منطقی مهمی است که در تاریخ منطق فراز و فرودهایی داشته است. در این باب تعاریف گوناگونی مطرح شده است. مهم‌ترین و شناخته‌ترین این تعاریف، تعریف خبر به صدق و کذب است که تقاریر مختلفی از آن ارائه شده است. منطق‌دانان نقدهای فراوان بر تعریف خبر به صدق و کذب آورده‌اند. دوری بودن این تعریف مشهورترین این نقدها است (قطب رازی، ۱۳۸۳: ج ۱ / ۱۳۰-۱۳۲).

به سبب این انتقادات، بسیاری از منطق‌پژوهان، خبر را اساساً تعریف‌ناپذیر انگاشته و سرّ تعریف‌ناپذیری قضیه را در بداهت آن و در نتیجه استغنا از تعریف می‌دانند (قطب رازی، ۱۳۸۳: ج ۱ / ۱۳۱؛ کاتبی، بی‌تا: ۵۰۸). بداهت مفهوم خبر به معنای وضوح مصادیق آن نیست؛ لذا اگرچه مفهوم قضیه در ذهن روشن است، اما تمایز آن از غیر خبر در مقام تعیین مصداق نیازمند ملاک است. صدق و کذب‌پذیری ملاکی است که در مقام تعیین مصداق پیشنهاد شده است. مراد "ارسطو" (Aristotle) (۳۸۴ - ۳۲۲ ق.م)، "فارابی" (۲۶۰ - ۳۳۹ ق)، "ابن‌سینا" (۳۷۰ - ۴۲۸ ق) و پیروانشان از صدق و کذب‌پذیری خبر، بیان خصلتی از خبر است که به کمک آن می‌توان خبر را از غیر آن بازشناخت.<sup>۳</sup>

بنابراین تعیین خبر در مقام مصداق، وقوع صدق و کذب در آن است. این تعبیر به گونه‌های مختلفی بیان شده است: «وجد فيه الصدق أو الكذب» (ارسطو، 3-2، 17a)، «یتصف بالصدق أو الكذب» (ابن رشد، ۱۹۸۱م: ۴۷)، «یدخل فيه الصدق أو الكذب» (بهمنیار، ۱۳۴۹: ۴۴)، «احتمل الصدق و الكذب» (خونجی، ۱۳۸۹: ۲۲)، «قابل التصديق و التکذیب» (غزالی، ۱۹۶۱م: ۵۳) و «يمكن أن يقال لقائله إنه صادق في ما قالاً و كاذب» (ابن سینا، ۱۳۸۳: ج ۱/ ۱۵).

کارایی ملاک صدق و کذب‌پذیری از حیث توانایی و عدم توانایی در مقام تعیین مصداق محل تأمل و مناقشه است. آیا ملاک صدق و کذب‌پذیری می‌تواند همه جملات خبری را از غیر آن متمایز و تفکیک کند؟ در این خصوص انتقادات و ایرادات فراوان وارد شده است. صدق و کذب‌پذیری در جملات امری<sup>۴</sup> (فارابی، ۱۴۰۸ق: ج ۱/ ۹۰)، صدق و کذب‌پذیری در جملات مشتمل بر نداء<sup>۵</sup> (فارابی، ۱۴۰۸ق: ج ۲/ ۳۳ - ۳۴) و صدق و کذب‌پذیری در مشهورات صرف<sup>۶</sup> (ابن سینا، ۱۳۸۳: ج ۱/ ۲۱۹ - ۲۲۱؛ فارابی، ۱۴۰۸ق: ج ۱/ ۳۶۳ - ۳۶۴) از جمله انتقادات ایراد شده بر ملاک صدق و کذب‌پذیری است.

نقد دیگری که برخی از منطق‌پژوهان بر ملاک صدق و کذب‌پذیری وارد کرده‌اند، جملات انشائی اخباری است. برخی از جملات علی‌رغم ساختار صوری آن‌ها که ظاهراً خبری است، در واقع انشائی هستند نه خبری. امروزه انشاء اخباری، فعل گفتاری (speech act) خوانده می‌شود. تأمل منطق‌دانان مسلمان در ملاک صدق و کذب‌پذیری خبر منجر به کشف افعال گفتاری شده است. در ادامه پیش‌تر در این باب سخن خواهیم گفت.

### ۲.۳ گزارش تاریخی (historical description)

به نظر می‌رسد نخستین کسی که در منطق دوره اسلامی به مسأله جملات انشائی به ظاهر خبر یا افعال گفتاری توجه نشان داده است، "فضل‌الدین محمد بن نام‌آور خونجی" (۵۹۰-۶۶۶ق) صاحب کشف‌الأسرار از مهم‌ترین منطق‌نگاران دو بخشی قرن هفتم باشد.<sup>۷</sup> وی ضمن نقل این مطلب از اهل لغت می‌گوید برخی از جملات علی‌رغم صورت خبری (صیغه اخباری) انشائی هستند و گوینده با بیان آن‌ها از چیزی خبر نمی‌دهد، بلکه چیزی را آفریده و انشاء می‌کند. خونجی نمونه‌هایی را ذکر می‌کند:

«به خداوند سوگند یاد می‌کنم»<sup>۸</sup>، «تزویدم کردم»، «این را خریدم»، «این را به تو بخشیدم»، «طلاق دادم»، «این برده را آزاد کردم»، و «این امر را رها کرد». خونجی بر انشائی

بودن این جملات، اقامه دلیل کرده است. استدلال وی به این گونه است که اگر جملاتی مانند «من سوگند یاد می‌کنم» (الف) خبر باشند، آنگاه باید از امری خبر دهند. در این صورت باید مسبوق به سوگند یادکردن به همان صورت «من سوگند یاد می‌کنم» (ب) باشد. حال اگر «ب» مخبرعنه باشد، خبر نیست و اگر خبر باشد، آنگاه مسبوق به مخبرعنه دیگری است و این به تسلسل می‌انجامد (خونجی، ۱۳۸۹: ۲۳). وی در پایان تصریح می‌دارد که این جملات علی‌رغم این که ساختار صوری و صیغه آنها بین اخبار و انشاء مشترک است، اما از لحاظ معنایی و در واقع همگی از سنخ انشاء هستند. در نتیجه احتمال صدق و کذب در خصوص آنها مطرح نیست (خونجی، ۱۳۸۹: ۲۳).

"قاضی سراج‌الدین ارموی" (۵۹۴ - ۶۸۲ق) هم در بیان الحق و لسان الصدق و هم در مطالع الأنوار به این بحث پرداخته است. وی در بیان الحق می‌گوید: گاه لفظ اخبار، انشاء است مانند «به خداوند سوگند یاد کردم» و «به خداوند سوگند یاد می‌کنم». ساختار این دو جمله در عین این که هر دو اخبارند، اما صدق و کذب‌پذیر نیستند، بلکه انشاء و ایجاد سوگند هستند نه اخبار از سوگند. دلیل اخباری نبودن این دو جمله آن است که اگر این جملات اخبار از سوگند باشند، در این صورت محتاج به مخبرعنه خواهد بود؛ که در مورد لفظ ماضی قسَم (سوگند یادکردم)<sup>۹</sup> مخبرعنه سابق بر انشاء است و در مورد لفظ مضارع قَسَم (سوگند یاد می‌کنم)<sup>۱۰</sup> مخبرعنه نسبت به انشاء، مسبوق است؛ در حالی که اساساً چنین مخبرعنه‌ی وجود ندارد که بخواهد سابق یا مسبوق بر صیغه‌ی قسم باشد. و از این قبیل است صیغه‌های عقود، طلاق و عتاق که هیچ‌یک از آنها به همان دلیل - اخبار نیستند. ارموی سپس تأکید می‌کند که صیغه‌های عقود (مانند خریدم و فروختم) مشترک بین اخبار و انشاء هستند و لذا اگر معنای اخباری از آنها قصد گردد، صدق و کذب‌پذیرند و اگر معنای انشائی آنها لحاظ شود، قابل صدق و کذب نیستند (ارموی، ۱۳۷۴: ۲۵).

ارموی در مطالع الأنوار نیز به این بحث اشاره نموده است.<sup>۱۱</sup> لفظ نداء و الفاظ عقود مانند فروختم و خریدم، میان اخبار و انشاء مشترکند و اگر از این الفاظ اخبار قصد شود، صدق و کذب در آنها راه دارد، اما اگر مراد از آنها، انشاء باشد، صدق و کذب‌پذیر نیستند (ارموی، ۱۳۸۴: ۸۴). "قطب‌الدین رازی" (۶۸۹ - ۷۶۷ق) شارح مطالع الأنوار نیز متذکر می‌شود که لفظ اخباری لازم نیست همواره برای اخبار استعمال شود، بلکه گاهی انشاء از آن قصد می‌شود. چنین الفاظی میان اخبار و انشاء مشترک هستند مانند الفاظ عقود (رازی، ۱۳۸۴: ۸۶).

"جلال‌الدین دوانی" (۸۳۱ - ۹۰۸ق) پیشوای مدرسه جلالیه، در مواجهه با مسأله پارادوکس دروغگو (lair paradox) که از قدیم‌ترین معماهای فکر بشری است، پاسخ‌های متعددی ارائه نموده است. وی معتقد است معمای پارادوکس دروغگو، صدق و کذب‌پذیر نیست. از نظر دوانی، عبارت «کل کلامی کاذب» دو حیثیت دارد: نخست، حیثیت صوری و ساختاری که به شکل جمله خبری است و از این جهت تفاوتی با عبارت «کل کلامی صادق» ندارد و لذا از این حیث قابلیت صدق و کذب دارد. دوم، حیثیت محتوایی است. هر خبری به لحاظ محتوا و مضمون دال بر صدق خود است، در حالی که این معما بر کذب خود دلالت دارد و بنابراین این عبارت خبر نبوده و صدق و کذب‌پذیر نیست. بر این اساس، عبارت «کل کلامی کاذب» فاقد خصلت حکایت از نسبت خارجی است و لذا اساساً خبر نیست (دوانی، ۱۳۸۶: ۱۳۶-۱۳۸). اما وی از بیان این‌که اگر این معما خبر نیست پس چه نوع جمله‌ای است، سرباز می‌زند؛ زیرا مشکل، ناشی از ایهام در تمایز ساختار دستوری از ساختار منطقی است.

اگر چه دوانی امکان تحقق جملاتی که فی‌نفسه صدق و کذب‌پذیر بوده، اما به لحاظ مضمون و محتوا فاقد خصلت صدق و کذب‌پذیری‌اند، به بحث و تحلیل پرداخته است، اما از تأمل مبسوط در مفاد این نوع جملات اجتناب ورزیده است. در واقع، مراد دوانی از این بیان آن است که معمای جذر اصم (پارادوکس دروغگو) از نوع انشاء اخبارنما است که علی‌رغم صورت (form) و ساختاری خبری آن، صدق و کذب‌پذیر نیست و لذا ظاهراً اخباری است، اما واقعاً از هویت انشایی برخوردار است.

برخی از منطقدانان معاصر، بر حل معمای پارادوکس دروغگو از طریق فعل گفتاری تصریح دارند: «جمله «من دروغگو هستم» را می‌توان از مقوله فعل گفتاری دانست که همانند جمله «من قول می‌دهم»، نه صادق است و نه کاذب؛ زیرا اساساً از مقوله خبر و حکایت نیست. بر این اساس می‌توان گفت جمله «من اینک دروغ می‌گویم»، حاکی از دروغگویی نیست تا لزوماً یا صادق یا کاذب باشد، بلکه انشاء دروغ است» (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۱: ۱۵۸). برخی از معاصران از مسأله «فعل گفتاری» برای حل بعضی از مسائل مربوط به حوزه فلسفه سیاست بهره جسته‌اند (نک: سروش، ۱۳۸۸: ۲۷۸ - ۲۷۹). برخی دیگر نیز این مسأله را در مباحث کلامی مورد استفاده قرار داده‌اند که از آن به «نظریه وحی گفتاری» تعبیر نموده‌اند: «وحی اسلامی در رویه مشهود خود، افعالی گفتاری است که خداوند در ارتباط زبانی با پیامبر انجام داده است» (قائم‌نیا، ۱۳۸۱: ۳۱۵).

### ۳.۳ تبیین تاریخی (historical explanation)

فعل گفتاری از جمله مسائلی است که مورد توجه منطق‌دانان مسلمان بوده است. آنان این بحث را تحت عنوان «انشاء اخبارنما» مورد تأمل قرار داده‌اند.<sup>۱۲</sup> انشاء اخبارنما، مورد نقضی است که در مقام نقد بر ملاک صدق و کذب‌پذیری خبر ایراد شد. انشاء اخبارنما، جمله‌ای است که علی‌رغم ساختار صوری آن که به ظاهر خبری است، در واقع انشائی است نه خبری. کشف این نوع جملات از آن افضل‌الدین خونجی است که بر انشائی بودن آن‌ها به اقامه دلیل نیز پرداخت.<sup>۱۳</sup> سراج‌الدین ارموی از پیروان خونجی، و نیز شارح وی قطب‌الدین رازی به بسط این اندیشه پرداختند که گاه جملاتی میان اخبار و انشاء مشترکند. علاوه بر نقد ملاک صدق و کذب‌پذیری خبر، مسأله مستقل دیگری نیز موجب ظهور مجدد اندیشه فعل گفتاری نزد منطق‌دانان مسلمان گشت. جلال‌الدین دوانی در مقام حل معمای جذر اصم (پارادوکس دروغگو)، به افعال گفتاری توجه نشان داده است. وی عبارت «هر سخن من دروغ است» (پارادوکس دروغگو) را از نوع انشاء اخبارنما می‌داند که علی‌رغم ساختار خبری آن، صدق و کذب‌پذیر نیست. پس از دوانی نیز منطق‌دانان دیگری این اندیشه را پذیرفته‌اند. مسأله انشاء اخبارنما چندان مورد توجه دیگر منطق‌دانان قرار نگرفت. دقت و تأمل بیشتر در این مسأله می‌توانست رهگشای حل مسائل منطقی و فلسفی فراوانی گردد. در ادامه به بحث در خصوص انشاء اخبارنما و ارتباط آن با مبحث افعال گفتاری می‌پردازیم.

### ۴.۳ انشاء اخبارنما یا فعل گفتاری

برخی از جملات به لحاظ ساختار صوری، خبری‌اند اما به لحاظ معنایی و محتوایی صدق و کذب‌پذیر نیستند. این جملات در واقع فعل‌اند و نه خبر از چیزی. زبان در این جملات نقش حکایتی ندارد، بلکه نقش حرکتی و فعالیتی دارد و ما با زبان در این جملات کار و فعلی انجام می‌دهیم و نه این که از انجام کاری خبر دهیم (فرامرز قراملکی، ۱۳۷۳: ۵۲). مثلاً وقتی می‌گوییم «من به شما تبریک می‌گویم!»، خبر از تبریک‌گویی نمی‌دهیم، بلکه فعل تبریک‌گویی را انجام می‌دهیم. جمله «من به شما تبریک می‌گویم!» به لحاظ ساختار بالفعل و شکل ظاهری آن گویی خبر است، اما در واقع، مانند این است که بگوییم «مبارک!» و لذا فاقد خبری است. مثال دیگر، جمله «من به شما قول می‌دهم!» همان فعل قول‌دادن است و



نه خبر از آن و نیز جملاتِ «من شرط می‌بندم!»، «من شما را تحسین می‌کنم!»، «من فروختم!» و...

امروزه کسانی چون آستین و سرل، گفتنِ این قبیل جملات را افعالِ گفتاری (speech acts) نامیده‌اند؛ زیرا این جملات در واقع نه فعل‌اند و نه خبر از چیزی. زبان در ادای این جملات نقش حکایتگری ندارد، بلکه گوینده با گفتنِ این جملات، فعل و عملی را انجام می‌دهد. برخلاف گفتارهای خبری که انجام فعلی نیستند، بلکه خبر از وقوع فعلی هستند. این جملات به لحاظ نحوی خبرند؛ زیرا دارای ساختار خبری هستند اما به لحاظ معناشناختی (semantic) فاقد معنای خبری‌اند (فرامرز قراملکی، ۱۳۷۳: ۵۳).

کشف و شناساییِ جملاتِ به ظاهر خبری اما به واقع انشایی (افعالِ گفتاری)، به نام آستین ثبت شده است و بسط و تفصیل آن نیز از سوی سرل، صورت گرفته و به نام وی شناخته می‌شود. در حالی که این مسأله نزد منطق‌دانان مسلمان نیز مطرح بوده است. منطق‌دانان قرن هفتم در این باب سخن گفته‌اند که مقایسهٔ تحلیل آستین با دیدگاه منطق‌دانان دورهٔ اسلامی علاوه بر آن که نشانگر هم‌جهتی و هم‌سوئی این دو تحلیل است، آموزندهٔ نکات تاریخی مفید بسیاری است.

#### ۴. چند نکته

در مقام مطالعهٔ تطبیقی میان مسألهٔ اخبار انشاءً‌نما نزد منطق‌دانان مسلمان از یک سو و مسألهٔ افعالِ گفتاری نزد فیلسوفان زبان از سوی دیگر، به اختصار چند نکته بیان می‌کنیم.

یک. همواره در افعالِ گفتاری فعلِ نحو (verb) خاصی به کار گرفته می‌شود تا فعل و رفتار (act) معینی انجام شود. مثلاً برای انجام فعل «وعدہ» (promis) گفته می‌شود: «من وعدہ می‌دهم...». سرل تصحیح می‌دارد که در یک «وعدہ» باید فعلی بر گوینده حمل شود و این فعل نمی‌تواند یک فعل با زمان گذشته باشد. من نمی‌توانم وعدہ دهم که چیزی را انجام داده باشم. گوینده در اظهار یک فعلِ گفتاری -مانند وعدہ- یک فعل آینده را بر خود حمل می‌کند (سرل، ۱۳۸۷: ۱۷۲-۱۷۳). در تحلیل منطق‌دانان مسلمان از انشاء اخبارنما، غالباً نمونه‌هایی ذکر شده که فعلِ گفتاری با صیغهٔ مضارع بیان شده است، اما گاه از صیغهٔ ماضی نیز بهره گرفته شده است. خونجی و ارموی مثال‌های خود برای انشاء اخبارنما را با صیغهٔ مضارع آورده‌اند به جز در یک مورد. خونجی و به تبع وی ارموی، فعلِ گفتاری قسم را هم با صیغهٔ مضارع (أقسِمُ) و هم با صیغهٔ ماضی (أقسَمْتُ) بیان کرده‌اند (خونجی، ۱۳۸۹:

۲۳؛ ارموی، ۱۳۷۴: ۲۵). دلیل این امر را باید در ساختار زبان عربی جستجو نمود که در این زبان افعال گفتاری با دو ساختار متفاوت ماضی و مضارع بیان می‌شوند. در زبان عربی علاوه بر قسم، سایر افعال گفتاری نیز با دو ساختار اظهار می‌گردند. مثلاً تزویج (أزوجُ و زوجتُ)، خرید و فروش (أشتری و إشتريتُ)، بخشش (أهبُ و وهبتُ)، طلاق (أطلقُ و طَلقتُ)، آزادکردن بنده (أعتقُ و أعتقتُ) و... با این تفاوت که در این موارد، صیغه‌ی مضارع، صرفاً دال بر وعده و تعهد ناظر به آینده است اما صیغه‌ی ماضی، دال بر تحقق ناظر به گذشته و وقوع فعل است. در واقع، صیغه‌ی ماضی نسبت به وقوع فعل از کاشفیت تام برخوردار است. دقت منطق‌دانان مسلمان به این نکته قابل تحسین است. بنابراین به نظر می‌رسد این که فعل گفتاری در صیغه ماضی یا مضارع بیان گردد، به ساختار زبانی بستگی دارد که فعل گفتاری به واسطه آن اظهار شده است. در زبان عربی فعل گفتاری با هر دو قالب بیان می‌شود. چگونگی بیان افعال گفتاری در زبان‌های گوناگون محتاج پژوهش مستقل دیگری است. در این باب، سرل تصریح داشته که یکی از شرایط تحقق فعل گفتاری آن است که قواعد لغوی، نحوی و معناشناختی ناظر به زبان و لهجه‌ای که گوینده و شنونده به آن سخن می‌گویند، رعایت شود (سرل، ۱۳۸۷: ۱۷۹).

دو. به اعتقاد سرل، فعل گفتاری همواره به صورت اول شخص بیان می‌شود. مثلاً من نمی‌توانم وعده دهم که شخص دیگری کاری را انجام دهد (سرل، ۱۳۸۷: ۱۷۳). منطق‌دانان مسلمان نیز انشاء اخبارتاً را همواره به صورت اول شخص بیان نموده‌اند. مثال‌هایی که خونجی و ارموی برای فعل گفتاری ذکر کرده‌اند، همه در قالب اول شخص متکلم قرار دارند.

سه. همان‌طور که ارموی متذکر شده است، عبارات مشتمل بر انشاء اخبارتاً دارای دو ضلع متساوی‌النسبه هستند، یعنی بین اخبار و انشاء مشترکند، لذا نه تنها به ساختار نحوی و ظاهری، بلکه با توجه به تحلیل محتوایی آن‌ها هم نمی‌توان به ملاکی برای تمایز خبر از انشاء دست یافت؛ از این رو، صدق و کذب‌پذیری یا صدق و کذب‌ناپذیری آن‌ها به قصد گوینده بستگی خواهد داشت. اگر گوینده معنای اخباری قصد کند، قابل صدق و کذب‌اند، اما اگر معنای انشائی قصد کند، صدق و کذب‌پذیر نیستند (ارموی، ۱۳۷۴: ۲۳). سرل نیز عبارات دال بر افعال گفتاری را میان انشاء و اخبار مشترک می‌داند (سرل، ۱۳۸۷: ۱۲۶-۱۳۳). لذا او نیز همانند ارموی قصد گوینده را از شرایط تحقق فعل گفتاری می‌داند (سرل، ۱۳۸۷: ۱۷۷-۱۷۸).

**چهار.** میان فیلسوفان مسلمان و فیلسوفان معاصر در این مسأله تفاوت در رویکرد وجود دارد. منطق‌دانان مسلمان توجه اختصاصی به افعال گفتاری نداشته‌اند و تنها توجه آن‌ها به متعلق افعال گفتاری (یعنی جملات خبری و انشائی) بوده است. اما بر خلاف منطق‌دانان مسلمان، فیلسوفان زبان معاصر بیش‌تر به خود افعال گفتاری (به عنوان فعل بشری) توجه کرده‌اند تا به متعلق آن‌ها که جملات خبری و انشائی باشد؛ هرچند این جملات هم، کم و بیش در آثار این فیلسوفان به طور عرضی و تبعی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

**پنج.** بحث از انشاء اخبارت‌ما در منطق دوره اسلامی بسط و تطوّر چندانی نیافت. ای بسا اگر این مسأله نزد منطق‌دانان مسلمان بیش‌تر مورد توجه و تأمل قرار می‌گرفت، امروز اصول و قواعد حاکم بر این نوع عبارات را بیش از آن چه هست، در آثار منطق دوره اسلامی می‌یافتیم. اساساً، منطق ارسطویی، منطق جملات خبری است. در این منطق، توجه چندانی به جملات انشائی نشده است. امروزه، منطق‌های مختلفی برای عبارات انشائی تأسیس شده است. مانند منطق جملات امری که به منطق تکالیف (deontic logic) مشهور است. تلاش‌های آستین و سرل نیز به نوعی معطوف به بنیان‌گذاری منطق حاکم بر افعال گفتاری است.

**شش.** بر مبنای نظریه‌ی افعال گفتاری، یک جمله‌ی اخباری صرفاً تعبیرگر و توصیف‌گر ماهیتی معنایی و معرفت‌شناختی به نام «قضیه» به نحو صادق یا کاذب و موجّه یا ناموجّه نیست. صدق یا کذب و موجّه یا ناموجّه بودن یک قضیه، علاوه بر معنای کلمات ادا شده‌ی یک جمله‌ی اخباری، به قصد و فعلی که متکلم یا مخاطب یا هر دو در هنگام بیان کلمات انجام می‌دهند نیز بستگی دارد. لذا برای داوری درباره‌ی صدق یا کذب، و نیز موجّه یا ناموجّه بودن قضیه، باید به گرایش‌ها و مقاصد متکلم و نیز تشخیص آن‌ها توسط مخاطب به وسیله‌ی قرائن توجه داشت. قضایا صرفاً ماهیاتی معرفت‌شناختی و معنایی نیستند که تنها تابع قواعد معرفت‌شناختی و معناشناسانه باشند، بلکه بیش از آن متعلق مقاصد و گرایش‌های گویندگان و مخاطبان زبان هستند. بنابر نظریه‌ی فعل گفتاری، متکلم با آنچه می‌گوید مبنایی را برای مخاطب فراهم می‌آورد تا بدان وسیله آنچه متکلم قصد کرده انجام شود را استنباط نماید. اما آنچه متکلم می‌گوید تنها تا اندازه‌ای در فرآیند استنباطی مخاطب نقش دارد. (نک: عباسیان، ۱۳۸۴: ۱۹۶-۱۹۷) بنابراین، صدق و کذب یا موجّه و ناموجّه بودن قضیه‌ای، صرفاً به معانی اجزاء تشکیل‌دهنده‌ی آن و نیز به ویژگی‌های معرفتی صرف بستگی ندارد، بلکه به افعال گفتاری انجام‌شده نیز وابسته است.

این بحث را می‌توان نزد اندیشمندان مسلمان پی گرفت. در علم اصول دو نظریه‌ی متفاوت مطرح شده است. دلالت وضعی لفظ بر معنا به دو صورت قابل تصور است: ۱. دلالت تصویری ۲. دلالت تصدیقی. به نظر می‌رسد نظریه‌ی دلالت تصدیقی در علم اصول با نظریه‌ی فعل گفتاری قرابت دارد.

دلالت تصویری، عبارت است از انتقال ذهن از لفظ به معنای آن به محض صدور لفظ از گوینده یا مشاهده کلمه نوشته شده. علم به وضع و قرار داد لفظ برای معنای خاص موجب تحقق این دلالت می‌شود و نیازی نیست که گوینده آن معنای خاص را قصد کرده باشد. لذا چه لفظ را فردی دیوانه و فاقد شعور یا انسان خواب‌آلود بیان کند و چه فردی با شعور و آگاه، تفاوتی ایجاد نمی‌کند. در هر صورت این دلالت (انتقال ذهن از لفظ به معنای خاص) ثابت است. علم به معانی واژگان و هیئت ترکیبی آنها، تنها چیزی است که در تحقق این دلالت، دخالت دارد. به عنوان مثال، وقتی گفته می‌شود «چه گل زیبایی»، الفاظ «چه»، «گل»، «زیبا» و نحوه ترکیب آنها، معنایی را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند. انتقال ذهن از این الفاظ به آن معنای خاص، دلالت تصویری خوانده می‌شود (نک: خراسانی، ۱۷؛ خوئی، ۳۱؛ القطیفی، ۱/ ۱۴۵؛ مظفر، ۱/ ۱۹).

دلالت تصدیقی، عبارت است از دلالت لفظ بر معنای مراد و مقصود گوینده. به دیگر سخن، گوینده با بیان لفظ یا عبارتی، معنایی را قصد می‌کند و ذهن مخاطب با شنیدن آن لفظ یا عبارت، به معنای مورد قصد گوینده انتقال می‌یابد. تحقق این دلالت، متوقف بر چند امر است: اولاً، احراز شود متکلم در مقام بیان و افاده است. ثانیاً، احراز شود، متکلم جدی است و در مقام مزاح نیست. ثالثاً، احراز شود که گوینده معنای لفظ را قصد کرده و از آن آگاه است. رابعاً، احراز شود که قرینه‌ای بر خلاف معنای موضوع‌عنه، در میان نیست؛ زیرا اگر قرینه‌ای در میان باشد، دلالت، تابع همان قرینه خواهد بود (مظفر، ۱/ ۲۰).

هفت. بر مبنای نظریه‌ی افعال گفتاری، زبان، یک پدیده‌ی قراردادی صرف نیست، هم‌چنان که معنای آن هم صرفاً تابع قواعد نحوی زبانی نیست، بلکه زبان یک پدیده‌ی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی است. لذا برای پی‌بردن به معانی و مدلولات آن، می‌باید به حالات و گرایش‌های روان‌شناختی افراد، نظیر مقاصد و اعتقادات قرینه‌ای دوسویه (mutual contextual beliefs) و هم‌چنین مناسبات اجتماعی میان افراد و سایر قراین دیگر نیز توجه کرد. (نک: عباسیان، ۱۳۸۴: ۱۹۷)

برخی از اندیشمندان مسلمان پا را از این فراتر نهاده‌اند و معتقد شده‌اند که وضع الفاظ فراتر از ابعاد روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، یک پدیده‌ی تکوینی است که البته از آثار روان‌شناختی و جامعه‌شناختی برخوردار است. محمدباقر صدر، وضع را اقتران و وثیق و ارتباط اکید لفظ و معنا دانسته است. وضع یک قانون تکوینی - و نه اعتباری - است. به این معنا که لفظ به سبب یک عامل کمی مانند تکرار یا یک عامل کیفی مانند قرائن معنوی یا لفظی با معنا ارتباط وثیق می‌یابد که به محض شنیده شدن یا خوانده شدن لفظ، ذهن به آن معنا انتقال می‌یابد. از این رو، نقش واضح لفظ، در حقیقت، ایجاد اقتران و ارتباط میان لفظ و معنا به نحو اکید و بلیغ است. این اقتران کامل و بالغ اگر به موجب یک عامل کمی مانند کثرت تکرار حاصل آید، وضع تعینی خوانده می‌شود اما اگر به واسطه یک عامل کیفی مانند قرینه سیاقیه و مقامیه و تأکید اثربخش به وجود آید، وضع تعینی نامیده می‌شود (هاشمی، ۸۲/۱). این اقتران یک اعتبار انشائی صرف نیست، بلکه مناسبتی تکوینی میان لفظ و معنی است که از آثار روان‌شناختی و جامعه‌شناختی وسیعی برخوردار است. لذا در فهم الفاظ باید به این آثار توجه نمود.

هشت. اگر نظریه‌ی افعال گفتاری نزد اندیشمندان مسلمان تطوّر می‌یافت و پرورانده می‌شد، پیامدهای معرفت‌شناختی فراوانی می‌توانست به بار آورد. این نظریه می‌تواند به مثابه رهیافتی در توجیه باور به شمار آید. توضیح آن‌که، نظریه‌ی فعل گفتاری رهیافتی است که تأکید می‌کند که در مبانی معرفت‌شناسانه نباید صرفاً به معانی واژگان و جملات اکتفا کنیم بلکه باید علاوه بر آن مقاصد و گرایش‌های گویندگان و مخاطبان را نیز مورد توجه و تأمل قرار دهیم. و این دیدگاهی است که نظریه‌ی توجیه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

## ۵. نتیجه‌گیری

کشف افعال گفتاری سه صورت ابتدایی آن - برای نخستین بار، از آن منطبق‌دانان مسلمان است. آنان این بحث را با عنوان انشاء اخبارنما مورد بحث قرار داده‌اند. انشاء اخبارنما، مورد نقضی است که به صورت اشکال بر تعریف خبر بر مبنای صدق و کذب‌پذیری، وارد شده است. صدق و کذب‌پذیری ملاکی است که در مقام تعیین مصداق پیشنهاد شده است. کارایی این ملاک از حیث توانایی و عدم توانایی در مقام تعیین مصداق محل بحث و تأمل بوده است. در این باب انتقادهای فراوانی از سوی منطبق‌دانان ایراد شد. برخی از جملات علی‌رغم ساختار صوری آن‌ها که ظاهراً خبری است، در واقع انشائی‌اند نه خبری. چنین

عباراتی، انشاء اخبارنما خوانده می‌شوند. نخستین کسی که انشاء اخبارنما را مطرح ساخت، افضل‌الدین خونجی است. پس از وی ارموی و قطب رازی نیز از انشاء اخبارنما سخن گفته‌اند. جلال‌الدین دوانی، از انشاء اخبارنما برای حل پارادوکس دروغگو (معمای جذر اصم) بهره گرفته است. معمای جذر اصم از نوع انشاء اخبارنما است که علی‌رغم ساختار خبری آن، صدق و کذب‌پذیر نیست.

امروزه کسانی چون آستین و سرل این قبیل جملات را افعال گفتاری نامیده‌اند؛ زیرا در واقع فعل‌اند و نه خبر از امری. زبان در ادای این جملات نقش حکایتگری ندارد، بلکه گوینده با گفتن آن‌ها، عمل و رفتاری را انجام می‌دهد. کشف و شناسایی جملات به ظاهر خبری اما به واقع انشایی (افعال گفتاری) به نام فیلسوفان زبان هم چون آستین و سرل ثبت شده است. در حالی که این مسأله نزد منطق‌دانان مسلمان نیز مطرح بوده. مطالعه تطبیقی در این باره آموزنده نکاتی است:

اولاً، سرل، فعل گفتاری را منحصر در قالب فعل نحوی آینده می‌داند و معتقد است فعل گفتاری نمی‌تواند در قالب فعل نحوی گذشته بیان شود. در تحلیل منطق‌دانان مسلمان از انشاء اخبارنما، افعال گفتاری هم در صیغه گذشته و هم در صیغه آینده ارائه شده است. بنابراین این که فعل گفتاری در صیغه ماضی یا مضارع بیان گردد، به ساختار زبانی بستگی دارد که فعل گفتاری به واسطه آن اظهار شده است. دقت منطق‌دانان مسلمان در این نکته قابل تحسین است. ثانیاً، منطق‌دانان مسلمان نیز همانند فیلسوفان زبان، انشاء اخبارنما یا فعل گفتاری را همواره به صورت اول شخص بیان نموده‌اند. ثالثاً، عبارات مشتمل بر انشاء اخبارنما دارای دو ضلع متساوی‌النسبه هستند. یعنی بین اخبار و انشاء مشترکند، لذا نه تنها به لحاظ ساختار نحوی و ظاهری، بلکه با توجه به تحلیل محتوایی آن‌ها هم نمی‌توان به ملاکی برای تمایز خبر از انشاء دست یافت. پس صدق و کذب‌پذیری آن‌ها به قصد گوینده بستگی دارد. فیلسوفان زبان نیز عبارات دال بر افعال گفتاری را میان انشاء و اخبار مشترک می‌دانند. لذا قصد گوینده را از شرایط تحقق فعل گفتاری می‌شمارند. رابعاً، میان فیلسوفان مسلمان و فیلسوفان معاصر در این مسأله تفاوت در رویکرد وجود دارد. منطق‌دانان مسلمان توجه اختصاصی به افعال گفتاری نداشته‌اند و تنها توجه آن‌ها به متعلق افعال گفتاری (یعنی جملات خبری و انشایی) بوده است. اما فیلسوفان زبان معاصر بیش‌تر به خود افعال گفتاری (به عنوان فعل بشری) توجه کرده‌اند تا به متعلق آن‌ها که جملات خبری و انشایی باشد. خامساً، به نظر می‌رسد نظریه‌ی دلالت تصدیقی در علم اصول با نظریه‌ی فعل گفتاری قرابت دارد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. برای تفصیل سخن در باب چستی مطالعه تطبیقی نک: فرامرز قراملکی، ۱۳۸۵: ۱۴۹ - ۱۶۶؛ فرامرز قراملکی، ۱۳۸۸: ۲۸۹ - ۳۱۵.
۲. تفصیل سخن در باب چستی مطالعه تاریخی را در منابع ذیل می‌یابید: فرامرز قراملکی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۷؛ فرامرز قراملکی، ۱۳۸۸: ۲۶۶ - ۲۶۷.
۳. تفصیل سخن در این باب را در منبع ذیل می‌یابید: فرامرز قراملکی، ۱۳۷۳: ۲۴ - ۵۰.
۴. برخی معتقدند جملات امری متصف به صدق و کذب می‌شوند. وقتی به چیزی امر می‌کنیم که یا فی‌نفسه ممکن است یا نسبت به مخاطب ممکن باشد، امر صادق است و زمانی که به فعلی محال فرمان می‌دهیم، امر کاذب است. این اشکال را فارابی نقل کرده است و به آن پاسخ گفته است. (فارابی، ۱۴۰۸: ج ۱/۹۰)
۵. فارابی در شرح کتاب *العباره‌ی ارسطو*، گزارش نسبتاً مبسوطی از نزاع پیروان ارسطو در تحلیل نداء و این‌که آیا نداء انشاء است یا خبر را ارائه می‌دهد. راه‌حل نهایی فارابی در مورد نداء آن است که نداء بالذات خالی از صدق و کذب است اما بالعرض و بالتبع متصف به یکی از این دو وصف می‌گردد. (فارابی، ۱۴۰۸: ج ۲/۴۳ - ۴۴)
۶. صدق و کذب‌پذیری جملاتی که مشهورات صرفه یا آراء محموده خوانده می‌شوند خالی از اشکال نیست. این جملات در تحلیل دقیق قضیه نیستند به همین جهت آن‌ها را آراء می‌نامیم نه قضایا. ابن‌سینا تصریح می‌کند که آراء محموده محصول عقل نظری، حس و وهم نیست، بلکه ریشه در عواطف، احساسات روانی و تربیت اجتماعی دارد. (ابن‌سینا، ۱۳۸۳: ج ۱/۲۱۹ - ۲۲۱) این مسأله نزد حکما محل اختلاف، ابهام و تردید است. تفصیل سخن در این باب را به نوشتار مستقل دیگری وامی‌نهمیم.
۷. تفصیل سخن در باب انواع منطق‌نگاری‌ها (دو بخشی، نه بخشی و تلفیقی) را در منابع ذیل می‌یابید: فرامرز قراملکی، ۱۳۷۸؛ فرامرز قراملکی، ۱۳۷۳: ۳۸ - ۵۰.
۸. صیغه سوگند در زبان عربی با دو ساختار ماضی و مضارع بیان می‌شود: «أقسم بالله» و «أقسمت بالله».
۹. در عربی: أَسَمْتُ
۱۰. در عربی: أُسِمْتُ
۱۱. پارادوکس دروغگو، از قدیمی‌ترین معماهایی است که دانشمندان از یونان باستان تا فیلسوفان معاصر منطق را به تأمل در خود مشغول ساخته است. تقریرهای فراوانی از این معما ارائه شده است. تقریر ساده آن در جمله «من دروغگو هستم» می‌یابیم: آیا این جمله صادق است یا کاذب؟! اندیشمندان مسلمان از دیر زمان با پارادوکس دروغگو آشنا بوده‌اند. آنان این پارادوکس

را «شبهه جذر اصم» خوانده‌اند. تفصیل سخن در این باب را در منبع ذیل می‌یابید: فرامرزق‌املکی، ۱۳۸۶ [مقدمه].

۱۲. میان «انشاء به ظاهر خبر» و «خبر به ظاهر انشاء» تفاوت هست. اگر چه انشاء به ظاهر خبر را برای نخستین بار، خونجی مورد تأمل قرار داده است، توجه به خبر به ظاهر انشاء، پیش از خونجی نیز مورد توجه منطق‌دانان بوده است. شیخ‌الرئیس بوعلی در اشارات، نسبت به خبر به ظاهر انشاء تذکر داده است (ابن‌سینا، ۱۳۸۳: ج ۱/۱۱۳). بسیاری از منطق‌دانان به منظور احتراز از اشتباه میان «خبر» و «خبر به ظاهر انشاء»، قید «لذاته» را به تعریف خبر اضافه کرده‌اند. (نک: فارابی، ۱۴۰۸: ج ۱/۸۹؛ غزالی، بی‌تا: ۷۹؛ طوسی، ۱۳۸۱: ۷۲؛ ساوی، ۱۳۸۳: ۱۶۸؛ شیرازی، ۱۳۸۴: ۶۲). توضیح آن‌که، بعضی از جملات انشائی گاه متصف به صدق و کذب می‌شوند. مثلاً اگر کسی از چیزی که می‌داند، بپرسد، یا کسی که بی‌نیاز است، چونان انسان مستمند، پولی طلب کند، یا کسی چیزی را که دارد، آرزو کند؛ در همه‌ی این موارد ما آن‌ها را دروغگو می‌خوانیم. از سوی دیگر، پرسشگری که علم به مطلب ندارد، و سائلی که مستمند است، و آرزومندی که شیء مورد نظرش را ندارد، را صادق و راستگو می‌دانیم. این در حالی است که پرسش و تقاضای چیزی را کردن و آرزو نمودن، از اقسام انشاء هستند. اما در واقع، در همه‌ی این موارد آن‌چه متصف به صدق و کذب می‌شود، مدلول التزامی این جملات است نه خود جمله فی‌نفسها. پرسش، برآمده از جهل و نادانی است، طلب حاجت، ناشی از نیاز، و آرزو، برخاسته از فقدان توأم با یأس است. لذا به دلالت التزامی، آن جملات انشائی نیز متصف به صدق و کذب شده‌اند.

۱۳. لازم به ذکر است که افعال گفتاری هیچ اختصاصی به گفتن جملات انشائی ندارد بلکه گفتن جملات اخباری نیز فعل گفتاری اخبار را شکل می‌دهد.

## کتاب‌نامه

- ابن‌سینا، بوعلی. (۱۳۸۳). *الإشارات و التنبيهات*. در: *شرح الإشارات*، ج ۱. قم: نشر البلاغه.
- ابن‌رشد، محمد. (۱۹۸۱). *تلخیص کتاب العبارة*. به تصحیح قاسم بتورث هریدی. قاهره: هیئته المصریه العامه للكتاب.
- ارسطو، (۱۹۸۰). *منطق ارسطو*. به تصحیح عبدالرحمن بدوی. بیروت: دارالقلم.
- ارموی، سراج‌الدین. (۱۳۷۴). *بیان الحق و لسان الصلح*. به تصحیح غلام رضا ذکیانی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد به راهنمایی احمد بهشتی. تهران: دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.
- ارموی، سراج‌الدین. (۱۳۸۴). *مطالع‌الأنوار*. در: *شرح مطالع‌الأنوار*. به تصحیح محسن جاهد. پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد به راهنمایی احد فرامرزق‌املکی. تهران: دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.



- استراوسون، پ. ف. (۱۳۸۶). *پیرامون اشاره*. ترجمه رضا محمدزاده. در: فلسفه تحلیل (مجموعه مقالات). ارغنون ۷ و ۸، تهران: سازمان چاپ و انتشارات و زارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بهمینار، ابن مرزبان. (۱۳۴۹). *التحصیل*. به کوشش مرتضی مطهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خراسانی، محمدکاظم. (۱۴۱۲ق). *کفایه الأصول*. بیروت: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحياء التراث.
- الخونجی، افضل‌الدین. (۱۳۸۹). *كشف الأسرار عن غوامض الأفكار*. به تصحیح خالد الرویهب. تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۳۶۷ق). *أجودالتقریرات فی الأصول*. تهران: مکتبه البوذر جمهری (المصطفوی).
- دوانی، جلال‌الدین. (۱۳۸۶). *نهایه الکلام فی حل شبهه جنر الأصم*. در: دوازده رساله در پارادوکس دروغگو. به تصحیح احد فرامرزقراملکی. تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- رازی، قطب‌الدین. (۱۳۸۳). *شرح اشارات*. در: شرح الإشارات. ج ۱. قم: نشرالبلاغه.
- رازی، قطب‌الدین. (۱۳۸۴). *شرح مطالع الأنوار*. به تصحیح محسن جاهد. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد به راهنمایی احد فرامرزقراملکی. تهران: دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.
- ساوی، عمر بن سهلان. (۱۳۸۳). *البصائر النصیریه*. به کوشش حسن المراغی. تهران: شمس تبریزی.
- سرل، جان آر. (۱۳۸۷). *افعال گفتاری*. ترجمه محمدعلی عبداللهی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۸۸). *ادب قدرت ادب عدالت*. تهران: انتشارات صراط.
- شیرازی، قطب‌الدین. (۱۳۸۳). *شرح حکمه الاشراف*. به تصحیح عبدالله نورانی و مهدی محقق. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- طوسی، نصیرالدین. (۱۳۸۱). *منطق التجرید در: الجوهر النضید*. به تصحیح محسن بیدارفر. قم: انتشارات بیدار.
- عباسیان چالشتی، محمدعلی. (۱۳۸۴). «نظریه افعال گفتاری و برخی پیامدهای مهم آن». *مقالات و بررسی‌ها*، دفتر ۷۷، بهار و تابستان ۸۴، ص ۱۶۹-۲۰۰.
- غزالی، ابوحامد محمد. (۱۹۶۱). *مقاصد الفلاسفه*. به کوشش سلیمان دنیا. قاهره: دارالمعارف.
- غزالی، ابوحامد محمد. (بی‌تا). *معیار العلم*. به کوشش سلیمان دنیا. بیروت: دارالاندلس.
- فارابی، ابونصر. (۱۴۰۸ق). *المنطقیات للفارابی*. به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه. قم: مکتبه آیه‌الله العظمی النجفی المرعشی.
- فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۸). *روش‌شناسی مطالعات دینی*. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۷۳). «الإشارات و التنبیهات؛ سرآغاز منطق‌نگاری دوبخشی». *آینه پژوهش*. ش ۲۴، ص ۳۸-۵۰.
- فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۷۳). *تحلیل قضایا*. رساله دکتری به راهنمایی ضیاء موحد، تهران: دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.
- فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۷۸). *مقدمه بر التنقیح*. در: *التنقیح فی المنطق*. تهران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

#### ۱۰۴ فعل گفتاری نزد منطق‌دانان مسلمان

- فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۵). *اصول و فنون پژوهش در گستره دین‌پژوهی*. قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۶). *دوازده رساله در پارادوکس دروغگو [مقدمه]*. تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۹۱). *جستار در میراث منطق‌دانان مسلمان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- قائم‌نیا، علیرضا. (۱۳۸۱). *وحی و افعال گفتاری (نظریه وحی گفتاری)*. قم: زلال کوثر.
- القطیفی، سیدمنیر السید عدنان. (۱۴۱۴ق). *الرافد فی علم الأصول (تقریرات درس آیه‌الله سیدعلی حسینی سیستانی)*. بیروت: دار المؤرخ العربی.
- کاتبی قزوینی، نجم‌الدین دبیران. (۱۳۴۵). *جامع الدقائق فی کشف الحقائق*. تصویر نسخه خطی. مجموعه میکروفیلم دانشگاه تهران.
- مظفر، محمدرضا. (۱۳۸۶ق). *اصول الفقه*. نجف: دارالنعمان.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۴۳۱ق). *بحوث فی العلم الأصول (تقریرات درس سید محمدباقر صدر)*. ج ۱.

Austin, John L., *How To Do Things With Words*, Oxford University Press, 1962.

Rosenberg, Jav F. and Travis Charles (eds.), *Readings in the Philosophy of Language*, Prenticw. Hall, inc, Englewood Cliffs, New Jersey. 1971.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی